

تالس (Θαλῆς)

گزیده ای از پاره ها و شواهد*

دلیل گراهام

ترجمه محمد باقر قمی

الف) زندگی

۱. دیوگنس لائرتیوس

پیشگویی کسوف سال ۵۸۵ ... بنا بر افلاطون >یکی از هفت خردمند (ἑπτα σοφῶν) بود< ... با آموختن هندسه از مصریان، نخستین کسی بود که مثلثی در داخل دایره ترسیم کرد ... اما برخی می گویند فیثاغورس این کار را کرد. ... او آب را به عنوان آرچه (ἀρχήν) همه چیز (πάντων τῶν)، جهان را دارای روح و پر از خدایان در نظر گرفت (ὑπεστήσατο). ... می گویند او فصول سال را کشف کرد و سال را به ۳۶۵ روز تقسیم کرد ... معلمی نداشت. ... هیرونیμος می گوید او ارتفاع اهرام را به وسیله سایه شان اندازه گرفت. ... آپلودوروس ... می گوید او در سال اول المپاد ۳۵ [۶۴۰/۳۹] به دنیا آمد ... او در المپاد ۵۸ [۵۴۸-۵۴۵] مُرد.

۶. هرودوت از ابتکار تالس در تغییر مسیر نیمی از رودخانه برای عبور ارتش از آن می گوید.

۷. افلاطون، ثائیتوس

وقتی تالس ستارگان را مطالعه می کرد ... و به بالا می نگریست، در چاه افتاد. بنا به داستان، یک دختر خدمتکار تراسی که حس طنز داشت او را مسخره کرد چرا که او مشتاق فهمیدن چیزهای در آسمان بود، در حالیکه از آنچه در مقابلش و درست زیر پایش بود آگاه نبود.

۸. ارسطو، سیاست

[از داستان کسب درآمد تالس از پیش بینی برداشت خوب زیتون و خرید همه روغن کشتی ها در زمستان برای نشان دادن اینکه برای فیلسوف کسب پول آسان است اگر بخواهد سخن می گوید. ارسطو معتقد است در اینجا اصل عمومی منوپولی که به تالس نسبت داده شده است.]

ب) فلسفه

۱۵. ارسطو، متافیزیک

اکثر فیلسوفان اولیه [فکر می کردند] اصول همه چیز فقط از نوع ماده است (τὰς ἐν ὕλης εἶδει μόνως ὡιήθησαν) (ἀρχὰς εἶναι πάντων). چون آنچه همه موجودات از آن هستند (ἐξ οὗ ἔστιν ἅπαντα τὰ ὄντα) و ابتدا از آن ایجاد می شوند و در نهایت بدان منحل می شوند، جوهری که در زیر همه ویژگی های تغییر کننده می ماند (τῆς οὐσίας) (ὕπομενόνσης τοῖς δὲ πάθεσι μεταβαλλούσης) – این را عنصر (στοιχείον) و آرچه (ἀρχήν) موجودات (τῶν ὄντων) می گویند. به همین دلیل، نه به وجود آمدن و نه نابود شدن را هرگز نمی اندیشند (οὐδὲν οἴονται) تا آنجا که این طبیعت (φύσεως) همواره حفظ می شود (σωιζομένης). چون همواره طبیعتی هست، خواه یکی خواه بیش از یکی، که از آن چیزهای دیگر به وجود می آیند (ἐξ ὧν γίνεταί τᾶλλα)، [در حالی که] آن [خودش] حفظ می شود (σωιζομένης ἐκείνης). درباره تعداد و نوع (εἶδος) این آرچه همه یکسان سخن نمی گویند. اما تالس، آغاز کننده چنین فلسفه ای (τῆς τοιαύτης ἀρχηγὸς φιλοσοφίας) می گوید [آن طبیعت] آب است (به همین دلیل می گوید زمین بر آب شناور است). شاید این اندیشه را از مشاهده این یافته است که همه چیز تغذیه اش را از آنچه مرطوب است می گیرد و اینکه خود گرم از آن ایجاد می شود و به واسطه آن زنده است (و آنچه [گرم] از آن ایجاد می شود، آرچه همه چیز است). او اندیشه اش را از این می گیرد و نیز اینکه نطفه های همه چیزها طبیعتی مرطوب دارند و همچنین اینکه آب منشأ رشد چیزهای مرطوب است.

۱۶. آتیوس

تالس اهل میلئوس اظهار کرد که آرچه موجودات (ἀρχήν τῶν ὄντων) آب است. [...] چون او می گوید همه چیز از آب است و همه چیز به آب منحل می شود. او این را ابتدا از این نتیجه می گیرد (στοχάζεται) که برای همه حیوانات اصلی هست که مرطوب است. بنابراین، مثل این است که همه چیز آرچه ای از [جنس] آب دارد. دوم، اینکه همه گیاهان از رطوبت تغذیه می شوند و میوه می دهند اما وقتی فاقد آن می شوند، پژمرده می شوند (ξηραίνεταί)؛ سوم، اینکه خود آتش خورشید و ستارگان از بازدم های آب ها تغذیه می شود چنانکه خود کوسموس [اینگونه تغذیه می شود].

۱۷. سیمپلیکیوس

از [میان] کسانی که می گویند آرچه یکی و متحرک است و [ارسطو] آنها را به درستی [فیلسوفان] طبیعی (φυσικούς) می خواند، برخی می گویند [آرچه] محدود است، چنانکه تالس ... و هیپون (که به نظر می رسد ملحد شد). آنها گفتند آرچه آب است [چرا که] از روی چیزهایی که بر حس پدیدار می شوند، به این نتیجه رسیدند. چون گرما به واسطه رطوبت زنده است و بدنهای مرده خشک می شوند و نطفه های همه چیزها مرطوب است و هر نوع تغذیه ای آبکی است. هر چیز از [جنس] همان چیزهایی است که به طور طبیعی از آنها تغذیه می کند. آب آرچه طبیعت مرطوب است و همه چیز را با هم نگاه می دارد. به همین دلیل فکر کردند آب آرچه همه چیزهاست و اظهار کردند زمین روی آب قرار دارد.

ج) فیزیک و ریاضی

۱۸. ارسطو، درباره آسمان

برخی [می گویند زمین] روی آب می ایستد. این قدیمی ترین نظریه ای (λόγον) است که به ما رسیده است، که می گویند تالس اهل میلئوس آن را وضع کرد چون [زمین] در جایی که بود مانده است همچون چوب یا هر چیز دیگری (چون هرگز اینها طبیعتاً روی هوا نمی مانند بلکه روی آب [می مانند]).

۱۹. سنکا

این نظر از تالس ناکافی است چون او می گوید حلقه زمین همچون یک کشتی ایستاده و نگاه داشته می شود و وقتی به وسیله امواج حرکت داده می شود، می گویند زلزله شده است.

۲۰. هیپولیتوس

تالس اهل میلئوس، یکی از هفت خردمند، اولین کسی است که فلسفه طبیعی (φιλοσοφίαν φυσικήν) را دنبال کرد. او گفت آغاز (ἀρχήν) و پایان همه چیز آب است. چون جهان (τὰ πάντα) از آن تشکیل شده است وقتی فشرده (πηγνυμένον) و دوباره منحل می شود (διανειμένον) و بار جهان (τὰ πάντα) را بر دوش می کشد. از آن زلزله، طوفان و حرکات ستارگان [می آید]. همه چیز وقتی به واسطه طبیعت به دور آغازگر (ἀρχηγού) اولیه پیدایش خود می گردد و جریان می یابد. و این خداست که نه آغاز و نه پایان دارد. بدینگونه او با تبیین و تحقیق (ζήτησιν) درباره اجرام آسمانی، به اولین کسی تبدیل شد که در میان یونانیان این مطالعه را بنیان نهاد.

۲۵. ناشناخته

آریستارخوس اهل ساموس روشن می کند که کسوف در زمان ماه نو رخ می دهد وقتی می نویسد «تالس گفت خورشید کسوف می کند وقتی ماه از مقابلش می گذرد...»

۲۶. آنتیوس

تالس [می گوید] ستارگان از خاک هستند اما دارای آتش هستند.

۲۸. پروکلوس

می گویند اینکه دایره به وسیله قطرش به دو نیم می شود را اول بار تالس ثابت کرده است ($\alpha\pi\omicron\delta\epsilon\iota\chi\alpha\iota$).

۲۹. پروکلوس

... گفته می شود اول بار او این را شناخت ($\acute{\epsilon}\pi\iota\sigma\tau\eta\sigma\alpha\iota$) و وضع کرد که زاویه های قاعده همه مثلث های متساوی الساقین برابرند ($\acute{\iota}\sigma\alpha\iota$) (در قدیم کلمه $\acute{o}\mu\omicron\iota\acute{\alpha}\varsigma$ را به معنای $\acute{\iota}\sigma\alpha\varsigma$ مورد استفاده قرار می دادند).

۳۰. پروکلوس

[اقلیدس] این نظریه ($\theta\epsilon\acute{\omega}\rho\eta\mu\alpha$) را ثابت می کند که وقتی دو خط مستقیم یکدیگر را قطع می کنند زاویه های متقابل ($\kappa\alpha\tau\grave{\alpha}\ \kappa\omicron\rho\upsilon\phi\eta\nu$) با هم برابرند؛ نظریه ای که اثودموس می گوید اول بار به وسیله تالس تحقیق شد.

د) روانشناسی و الهیات

۳۴. ارسطو، درباره نفس

... تالس نیز روح را به عنوان حرکت دهنده شناخت چرا که می گوید آهنربا روح دارد چون آهن را حرکت می دهد.

۳۵. ارسطو، درباره نفس

برخی می گویند روح در کل ($\acute{o}\lambda\omicron\nu$) آمیخته است؛ شاید به این دلیل تالس فکر میکرد همه چیز پر از خدایان است.

۳۶. سیسرون

تالس که اول بار درباره این چیزها تحقیق کرد، گفت آب منشأ اشیاء است و خدا همان عقلی است که همه چیز را از آب ساخت.

۳۷. آنتیوس

تالس می گوید خدا عقل ($\nu\omicron\upsilon\nu$) جهان است و جهان ($\tau\acute{o}\ \pi\acute{\alpha}\nu$) همزمان زنده و پر از خدایان است. قدرتی الهی در رطوبت نفوذ میکند و آن را به حرکت در می آورد.

کسانی هستند که فکر می‌کنند اولین کسانی که تبیینی از خدایان دادند، که بسیار پیش از این [زندگی می‌کردند] چنین دیدگاهی شبیه تالس درباره طبیعت داشتند چرا که اکتانوس و تتیس را والدین به وجود آمدن قرار دادند و خدایان [را به گونه ای در نظر گرفتند] که به وسیله آب (استیکس) قسم می‌خورند. چون قدیمی ترین، محترم ترین چیز موضوع قسم خوردن است. اینکه آیا چنین عقیده اولیه و قدیمی ای درباره طبیعت می‌توانسته است باشد، ناروشن است. به هر حال گفته می‌شود تالس این را به بیانی روشن درباره آرخبه اول تبدیل کرد.

*

درباره کتاب اصلی و سبک و ترتیب انتشار پاره ها در آن موارد ذیل میبایست مورد توجه قرار گیرند:

۱. کتاب مبنای این ترجمه کتاب زیر میباشد:

The Texts of Early Greek Philosophy: The Complete Fragments and Selected Testimonies of the Major Presocratics, Daniel W. Graham, ۲۰۱۰, Cambridge University Press

۲. تنها بخشی از پاره ها مربوط به بخشی از فیلسوفان در اینجا انتخاب و ترجمه شده اند. هرچند این انتخاب صرفاً براساس علاقه و نظر شخصی اینجانب بوده است، به نظرم مشهورترین فیلسوفان و مشهورترین پاره ها را در بر میگیرد.

۳. سبک، ترتیب و شماره گذاری پاره ها مبتنی بر سبک، ترتیب و شماره گذاری کتاب اصلی گراهام است.

۴. شماره بندی های بدون پرانتز همان شماره بندی های گراهام هستند. نام نوشته شده کنار شماره منبع آن را اعلام میکند. مثلاً: ۱. دیوگنس لائرتیوس به معنای آن است که این قطعه از دیوگنس لائرتیوس نقل شده است. هرچند گراهام در کتابش آدرس مطلب را هم آورده است، به دلیل جلوگیری از پیچیدگی بیش از حد آدرسها را در ترجمه نیاورده ام. دوستان میتوانند برای پیدا کردن آدرس به کتاب گراهام مراجعه نمایند.

۵. شماره های داخل پرانتز شماره پاره ها بر مبنای شماره های مشهور استاندارد دیلز-کرانتس (Diels-Kranz) است که خود گراهام نیز آنها را ذکر کرده است.

۶. هرچند در ترجمه ها متن یونانی را مبنا قرار داده ام اما به دلیل دانش ناقصم از زبان یونانی، هر جا که نتوانستم زبان یونانی را مبنا قرار دهم از ترجمه انگلیسی آن استفاده کردم. از آنجا که این کار به قصد انتشار انجام نشده

است، قطعا دارای اشتباهات و نواقص متعددی است و از اینکه نمیتوانم این کار را پس از رفع اشکالات منتشر کنم از همه خوانندگان پوزش میطلبم.